

روابط دختران و پسران از نگاه قرآن و روایات

نویسندگان: مرکز فرهنگ و معارف قرآن

منبع: نشریه پاسدار اسلام ۱۳۸۶ شماره ۲۴

چکیده

متن

روابط دختران و پسران از نگاه قرآن و روایات مرکز فرهنگ و معارف قرآن مقدمه روابط پسران و دختران جوان، در کشور ما به عنوان یک معضل اجتماعی مطرح است لذا بر اولیای خانه و مدرسه و به تبع آنها مسئولین فرهنگی و اجتماعی لازم است این مسأله را به طور علمی بررسی نمایند و از هر گونه تصمیم احساسی خودداری نموده و با شناخت کامل آسیب‌ها، زمینه‌ها و راهکارهای علمی و تخصصی با این انحراف برخورد نمایند زیرا به حکم «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (۱) باید از پیروی هر چیزی که بدان علم نداریم پرهیز کنیم. در هر اعتقاد یا عملی که تحصیل علم ممکن است، پیروی از غیر علم حرام است و زمانی اقدام و ارتکاب عملی جایز است که دلیل علمی آن را تجویز نماید. (۲) برای بررسی این معضل با سؤال‌هایی روبرو هستیم: ۱- چه نوع روابطی، معضل اجتماعی به شمار می‌رود؟

۲- چه آسیب‌هایی در این زمینه جوانان ما را تهدید می‌کند؟ ۳- زمینه‌های این روابط آسیب‌زا چیست؟ ۴- چه راهکارهایی برای پیشگیری و هدایت صحیح وجود دارد؟ روابط آسیب‌زا ارتباط و برخورد پسران و دختران، امری اجتناب‌ناپذیر است زیرا بدیهی است که در جامعه، کوچه و خیابان، هنگام خرید و هنگام معاشرت‌ها و... نمی‌شود دیوار و حائلی بین دو جنس کشید. هنگامی که از روابط دختران و پسران به عنوان معضل اجتماعی و آسیب‌زا یاد می‌شود، منظور روابط پنهانی، غیر عادی و ناپخته‌ای است که به دور از هرگونه شناخت کافی بوده و به صورت هیجانی، تخیلات و رؤیاهای غیرواقعی صورت می‌گیرد. دختران و پسرانی که به منظور جلب توجه جنس مخالف و با هدف دوستیابی از بین آنان، ساعت‌ها در خیابان‌ها و اماکن عمومی از گوشه‌ای به گوشه دیگر می‌روند و بدون اینکه به روشنی بدانند به دنبال چه چیزی هستند، وقت و انرژی خود را تلف می‌کنند. گاهی اوقات افرادی مانند خود را می‌یابند و روابط نامتعادلی برقرار می‌کنند، لکن در نهایت با احساس سرخوردگی و بیهودگی و نیز احساس بی‌زاری از خود به خانه باز می‌گردند.

تعالیم انسان‌ساز اسلام، این نوع روابط را نهی می‌کند نه اینکه زنان و دختران را از جامعه طرد نماید و از هر نوع حضور و فعالیت‌های آنان و برخورد و ارتباط زنان و مردان جلوگیری کند. اسلام، حفظ حریم میان زن و مرد، عفت و حیاء را مورد تأکید قرار می‌دهد. قرآن کریم یک نمونه از روابط سالم را بیان می‌کند: دختران حضرت شعیب برای سیراب کردن گوسفندان صبر کردند تا مردان از سیراب کردن گوسفندانشان فارغ شوند و به کناری بروند. (۳) و هنگامی که یکی از دختران شعیب از طرف پدر مأمور شد تا حضرت موسی را به خانه دعوت کند با کمال وقار و حیاء با موسی سخن گفت (۴) و حضرت موسی نیز بعد از قبول دعوت به دختر شعیب فرمود: راه را به من نشان بده و خودت پشت سر من بیا. برای اینکه ما دودمان یعقوب به زنان نگاه نمی‌کنیم. (۵) این الگوی شایسته به ما نشان می‌دهد که می‌شود زنان و مردان در جامعه با یکدیگر برخورد و تعامل داشته باشند و در عین حال حریم یکدیگر، حیاء و عفت خود را نیز حفظ کنند. آسیب‌شناسی الف - آسیب روانی: فقدان حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است، هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌گردد؛ همچون آتشی که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود. (۶) روح بشر فوق‌العاده تحریک‌پذیر است، اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام نشدنی است و همیشه مقرون است با نوعی احساس محرومیت، دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد. (۷) حال اگر در سطح جامعه، جاذبه‌های جنسی رواج یابد و دختر و پسر روابطی آزاد داشته باشند، جلوه‌گری‌های موجود در برخورد و حالات دختران موجب جلب توجه پسران شده، انحراف اذهان و آشفتگی فکر و دل آنها را در پی دارد. البته خود دختران نیز ضربه‌پذیر هستند زیرا چه بسیار دخترانی که سبب شوق دست‌یابی به نشانه‌های مقبول زیبایی و زنانگی به اختلالات روانی دچار می‌شوند. (۸)

از طرف دیگر اگر در کوچه و خیابان، دلبری مرسوم گردد و جلوه‌گری، هنر دختران محسوب شود و در روابط دختر و پسر تجاذب و دل‌بندی به میان آید، دخترانی که از زیبایی لازم برخوردار نیستند، در فشار و استرس قرار می‌گیرند و همیشه احساس کمبود و

حقارت می‌نمایند و لطمه‌های جدی بر روح و روان آنان وارد می‌سازد. آفت دیگر این است که افراد در این نوع روابط که معمولاً ناپایدار بوده و بر اساس سودجویی است نه تعهد، به شکست در عشق منتهی می‌شوند. و در نتیجه روح لطیف و با نشاط آنها گرفتار افسردگی می‌شود. ویل دورانت می‌گوید: «زنی که عاشق شد و معشوق خود را از دست داد، ممکن است این گمشده برایش جبران‌ناپذیر باشد. او روح خود را به تصویر خاصی پیوسته است و هر جا برود خاطراتش او را دنبال خواهند کرد.» (۹) عشق بازی‌های خیابانی قبل از ازدواج، آسیب دیگری نیز دارد و آن این است که دائماً از فاش شدن روابط گذشته و تأثیر آن بر زندگی آینده دچار تشویش خاطر و نگرانی هستند و این نگرانی اثر مخربی بر بهداشت روانی انسان می‌گذارد. ب - آسیب اجتماعی: آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماعی است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است. (۱۰) زیرا از طرفی شخصیت و کرامت زن را در حد یک کالا برای کامجویی مردان تنزل می‌دهد و امنیت روانی لازم را برای فعالیت اجتماعی او از بین می‌برد، و از طرف دیگر مردان، تمرکز حواس و دقت کافی را برای کارهای خود ندارند. هر چه روابط دختر و پسر ضابطه‌مندتر شود و جامعه از تحریکات شهوانی و جلوه‌گری‌های جنسی دور گردد، اجتماع سالم‌تر خواهد شد و افراد جامعه بهتر به کار خود رسیدگی کرده، جوانان در محیط کار، درس و دانشگاه راحت‌تر خواهند بود و به پیشرفت‌های بیشتری خواهند رسید. ج - آسیب خانوادگی: معاشرت‌های آزاد و بی حد و مرز در برخی خانواده‌ها زمینه بی‌بند و باری پسران و دختران را فراهم ساخته و ازدواج را به صورت یک وظیفه، تکلیف و محدودیت در آورده است. تفاوت جامعه‌ای که روابط جنسی را به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی محدود می‌کند با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می‌شود این است که ازدواج در اجتماع اول، پایان انتظار و محرومیت و در اجتماع دوم، آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آن‌ها را ملزم می‌سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌بخشد. (۱۱)

اختصاص یافتن استمتاع و التذاهای جنسی به نهان خانه زناشویی و محیط خانواده و در کادر ازدواج، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود. پس آسیب اول، بی‌رغبتی به ازدواج و تشکیل خانواده است. آسیب دیگر همان است که ویل دورانت می‌گوید: «مرد، نگران و مضطرب است که مبدا کسی پیش از او زنش را تصرف کرده باشد.» (۱۲) پسری که قبل از ازدواج با افراد زیادی ارتباط داشته است به هنگام ازدواج به هر دختری که نظر کند، می‌پندارد او نیز با پسرهای متعددی ارتباط داشته و پاک و عقیف نیست و در نتیجه روح بی اعتمادی و سوء ظن در جامعه او ج می‌گیرد و این همان چیزی است که قرآن کریم از آن نهی فرموده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (۱۳) بنابراین روابط آزاد زمینه‌ساز بسیاری از سوءظن‌ها است. نکته دیگری که در جوامع آزاد و مختلط، خانواده‌ها را تهدید می‌کند این است که زن و مرد، همواره در حال مقایسه‌اند، مقایسه آنچه دارند با آنچه ندارند و آنچه ریشه خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه‌ها آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. (۱۴)

زمینه‌ها و راهکارها ما در این قسمت به عوامل ایجاد کننده این روابط و راههای پیشگیری آن می‌پردازیم و چون هر زمینه، راهکار مخصوص به خود را دارد، برای حفظ پیوستگی و انسجام مطلب در ذیل هر یک از زمینه‌ها، راهکار آن را نیز ذکر می‌کنیم. ۱- نگاه یکی از زمینه‌های ایجاد روابط ناسالم نگاه مسموم است. برای انسانی که حب شهوات برای او زینت داده شده است (۱۵) یک نگاه کافی است تا او را از خود بی خود کند و متحول سازد. نگاه، تیری است از تیرهای شیطان چه بسا نگاهی که حسرت‌های طولانی را در پی دارد. (۱۶) لذا حضرت علی (ع) می‌فرماید: «دیدها شکارگاههای شیطانند» (۱۷) بعضی «نگاه‌ها»، وپروس «گناه» منتشر می‌کنند پس فاصله چندان بین نگاه و گناه نیست. کنار هر گناه دو فرمان است: شیطان می‌گوید: «چشم بدوز» خدای رحمان می‌گوید: «چشم و دیده فرو بند» تنها راهکار آسودگی دل و برچیدن این زمینه همان است که قرآن کریم می‌فرماید: مؤمنان نگاه خود را از نامحرم بگردانند. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِّنْ أَبْصَرِهِمْ» (۱۸) و در روایات نیز آمده است که کسی که چشم خود را فرو بندد دل را آسوده کند. (۱۹) از پشت به زنان نامحرم نگاه نیکنید. (۲۰) از رو به رو به زن نامحرم خیره نشوید. (۲۱) و اگر به طور اتفاقی نگاه به نامحرم افتاد چشم را بگردانید. (۲۲)

و بار دیگر نگاه خود را به وی نیکنید. (۲۳) حفظ نگاه مخصوص مردان نیست؛ زلیخا اسیر نگاه شده بود و زنان مصر با دیدن یوسف دست خود را بریندند. (۲۴) لذا قرآن کریم به زنان مؤمن نیز دستور می‌دهد که چشم را از نگاه به مردان اجنبی فرو بندند. (۲۵) لذا هنگامی که مردی نابینا خدمت رسول خدا (ص) آمد، آن حضرت از همسران خود خواست که جلسه را ترک کنند و پشت پرده قرار بگیرند. آنان با تعجب گفتند: «وی کور است.» حضرت فرمود: «شما که کور نیستید و او را می‌بینید.» (۲۶) و الگوی زنان عالم حضرت زهرا (س) فرمودند: «خیر زن در آن است که نه او مردی را ببیند و نه مردی او را ببیند.» (۲۷) زدست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده ببندد دل کند یاد بسازم خنجری نیش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد (۲۸) ۲- خودآرایی و خودنمایی یکی دیگر از علل گرایش جوانان به جنس مخالف، خودآرایی و خودنمایی است. خودآرایی ناپسند نیست بلکه خودآرایی به قصد خودنمایی در برابر نامحرم ناپسند است زیرا زمینه فساد جوانان است. جوان در این سن، در برابر هزارها محرک که قبلاً آن‌ها را حس نمی‌کرد، حساس می‌گردد. بعضی از صداها این حساسیت را بر می‌انگیزد... بعضی از حرکات این حساسیت را نیرو می‌دهد، بعضی

از مناظر در جلب آن بیش از همه مؤثر است، رنگها در فصل عشق غوغایی بر پا می‌کند و رنگ سرخ منادی تملک و تصرف است» (۲۹) اگر جوان در معرض این همه محرک‌های قوی قرار بگیرد، دریای شهوت او طوفانی می‌شود و «غریزه جنسی، مخصوصاً در پسران، تا سر حد وجدان نفوذ کرده و تحریکات شهوانی همچون تصادم امواج به ساحل، شروع به مبارزه می‌نماید.» (۳۰) قرآن کریم برای برچیدن این زمینه فساد به زنان مؤمن دستور می‌دهد که در خانه‌های خود بنشینند و مانند زنان جاهلیت نخست، خودنمایی نکنند. (۳۱) زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار ن سازند و باید سینه و دوش خود را با مقنعه بپوشانند. (۳۲) منظور از «زینت زنان» مواضع زینت است زیرا اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آنهاست. (۳۳) زنان مؤمن نباید پای خویش را به زمین بکوبند تا آنچه از زینتشان که پنهان است ظاهر شود. (۳۴) طبیعی است که جوان جذب می‌شود. جوانی از انصار رسول خدا(ص) در کوچه‌های مدینه زنی را دید - در آن زمان، زنان مقنعه را پشت گوش می‌انداختند - وقتی زن از او گذشت، او را تعقیب کرد و از پشت او را می‌نگریست تا داخل کوچه تنگی شد و در آنجا استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود، به صورت مرد برخورد کرده آن را شکافت، همین که زن از نظرش غایب شد تازه متوجه گردید که خون به سینه و لباسش می‌ریزد، با خود گفت:

نزد رسول خدا می‌روم و جریان را به او خبر می‌دهم. رسول خدا از او پرسید چه شده است؟ جوان جریان را عرض کرد. سپس جبرئیل نازل شد و حفظ حجاب و زینت را بر زنان مسلمان واجب نمود تا مردان مسلمان حفظ شوند. (۳۵) ۳- طنز در سخن یعنی زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی نموده شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد. (۳۶) قرآن کریم برای جلوگیری از روابط ناسالم میان زنان و مردان می‌فرماید: «نازک و نرم با مردان سخن مگوئید مبادا آنکه دلش بیمار است به طمع افتد بلکه درست و نیکو سخن بگوئید.» (۳۷) یعنی سخن معمولی و مستقیم بگوئید، سخنی که شرع و عرف اسلامی (نه هر عرفی) آن را بیسندد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنی، تا شنونده علاوه بر درک مدلول کلام، دچار ریبه هم بشود. (۳۸) تأثیر کلام به قدری است که مولای متقیان از سلام کردن به زنان جوان خودداری می‌کند و می‌فرماید: «می‌ترسم از این که صدای آنها مرا خوش آید و از اجرم کاسته شود.» (۳۹) ۴- تأخیر در ازدواج زن و مردم مکمل نیازهای روحی و روانی یکدیگرند و هر یک بدون دیگری احساس فقر و نیاز می‌نماید. زن به دنبال تقدیس از جانب مرد و در آرزوی این است که تنها ملکه کاخ عشق و محبتش باشد. (۴۰) و به قول ویل دورانت: زن فقط وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه کردن به او مایه حیات اوست. (۴۱) و مرد نیازمند کسی است که قلبش برای او بتپد و با گرمی نگاه و کلام پرمهرش، او را در مواجهه با ناملایمات زندگی امید بخشد و خلاصه اینکه «هر یک از ما، در جدایی فقط نیمه‌ای از انسان است و همیشه نگران آن نیم دیگر است» (۴۲) و این نگرانی به آرامش تبدیل نمی‌شود مگر از طریق آن یگانه راهی که خداوند متعال ترسیم نموده و آسایش انسان را در آن قرار داده است. (۴۳) «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (۴۴) تا زمانی که دختر و پسر جوان این نیاز فطری را از راه ازدواج تأمین نکرده و به آرامش روانی نرسیده باشند در معرض خطر هستند لذا رسول خدا(ص) فرمود: آن کس که ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است.» (۴۵) ۵- بستر اجتماعی یک عامل بسیار مهم در ایجاد چنین روابطی، وجود زمینه‌های اجتماعی و گاه پنهان در میان جوانان است. اگر در جامعه جوان چنین افکاری رایج شود که داشتن دوست پسر و یا دوست دختر، نشانه قدرت و جاذبه اجتماعی است و یا این اندیشه که داشتن چنین روابط، نشانه بزرگ شدن است و یا پیدا کردن دوست برای یکدیگر را بخشی از پیمان دوستی به شمار آورند، روز به روز بر میزان این روابط افزوده خواهد شد. برای رهایی از این زمینه فساد راهکارهایی وجود دارد که عبارتند از:

الف - اصلاح فرهنگ جامعه: اگر چنین افکاری در جامعه رسوخ کرده باشد بر مسئولین فرهنگی جامعه واجب است که تمام امکانات و تلاش خود را در اصلاح فرهنگ جامعه به کار بگیرند زیرا تا فرهنگ‌سازی درست صورت نگیرد خورده کارها نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت. ب - دقت در انتخاب همنشین: باید راههای صحیح دوست‌یابی را آموزش داد تا جوانان با دید باز و اندیشمندانه همنشین و دوست خود را انتخاب نمایند زیرا رسول خدا(ص) می‌فرماید: «دین و منش هر شخصی، متناسب با دوست و همراه است.» (۴۶) ۶- مرحله رشد اریکسون سن ۱۲ - ۲۰ سالگی را مرحله احساس هویت در مقابل سردرگمی هویت می‌داند و می‌گوید مشکل این دوره خطر آشفتگی نقش به ویژه هویت جنسی و شغلی نوجوان است. در بعضی موارد جوانانی که قادر به رو در رویی با سردرگمی نقش جنسی و شغلی خود نیستند، هویتی منفی را انتخاب می‌کنند و به هویت‌ها و نقش‌هایی متکی می‌شوند که به صورت نامطلوب‌ترین و خطرناک‌ترین اعمال به آنها عرضه شده است. (۴۷) کسی که احساس پیشرفت و رضایت‌مندی از هویت، شغل و خانواده خود ندارد به رفتارهای ناهنجار روی می‌آورد که به این رفتارها «رفتارهای جایگزین» می‌گویند. یکی از این رفتارهای جایگزین، برقراری ارتباطهای ناسالم است. برای پیشگیری از بروز این مشکل، باید به نوجوان و جوان در هویت‌یابی کمک کرد تا بتواند برای خویشتن تصویری رضایت بخش و امید آفرین به دست آورد. انسان باید یک هویت منسجم را داشته باشد زیرا هر کس بر اساس ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد دارد. (۴۸) عمل انسان مترتب بر شاکله او است به این معنا که عمل هر چه باشد مناسب با اخلاق آدمی است چنانچه در فارسی گفته‌اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست» پس شاکله یا هویت نسبت

به عمل، نظیر روح جاری در بدن است. (۴۹) بنابراین بر والدین و مسئولین تعلیم و تربیت واجب است که در راه «هویت یا بی‌جنسی» به جوانان کمک کنند تا تصویر روشنی از جنسیت خود و نقش‌های مربوط به آن، برخوردارهای اجتماعی و دوستی دختران و پسران و عشق و امثال آن پیدا کنند. ۷- عدم تقید خانواده به مسائل دینی جوانان اولین برخوردها و معاشرت‌های ناسالم و مختلط را در خانه تجربه می‌کنند. فرهنگ خانواده است که حد و مرزها را به فرزندان می‌آموزد. اگر خانواده‌ها حدود شرعی را در روابطشان مراعات نکنند، دیگر چه انتظاری از جوانان با آن شرایط روحی و هیجانی می‌توان داشت لذا قرآن کریم می‌فرماید:

ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه دارید. (۵۰) یعنی خود و زن و بچه خود را تعلیم خیر دهید و ادب نمایید. (۵۱) و در نگهداری اهل همین بس که به آنها امر کنید بدان چه که خدا امر کرده و نهی کنید از آنچه خدا نهی کرده است. (۵۲) ۸- بی‌توجهی به نیازهای جوانان در خانه جوانان به محبت، برقراری صمیمیت، تنوع، تفریح و هر چیزی که شور و نشاط آنان را حفظ کند، هستند. اگر والدین این نیازها را تأمین نکنند، خود او دست به کار می‌شود و از آنجا که معمولاً جوانان شتابزده و ناپخته عمل می‌کنند، از هر طریقی برای رفع نیاز خود اقدام می‌کنند. نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، پرهیز از بیکاری است. خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) توصیه می‌فرماید: «هنگامی که از کار مهمی فارغ شدی خود را به کار دیگری مشغول کن» (۵۳) والدین باید برای اوقات فراغت جوانان خود برنامه داشته باشند. فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی علاوه بر اینکه آنها را از بسیاری از فسادها حفظ می‌کنند، در رشد ابعاد مختلف جوان مؤثر است. والدین در برخورد با جوانان باید طریق اعتدال را پیش بگیرند و از هر گونه افراط، تقریب، برخورد خشک، خشن و انعطاف‌ناپذیر خودداری کنند. و در ضمن نظارت و کنترل نامحسوس بر رفت و آمد و رفتارهای آنان، شخصیت و حریم خصوصی آنان را حفظ نمایند زیرا اگر شخصیت او از بین برود و عزت و کرامتی نداشته باشد، هیچ امید خیری در او نیست. (۵۴) و از سرزنش و ملامت نیز پرهیز کنند که آتش لجابت را در آنان شعله‌ورتر می‌کند. (۵۵) ۹- رسانه یکی دیگر از عوامل زمینه ساز روابط دختر و پسر رسانه‌ها اعم از صدا و سیما، نشریات، اینترنت و ماهواره است که بررسی میزان تأثیر آنها و چگونگی مقابله با آنها به تدوین مقاله‌ای مستقل نیاز دارد.

پی‌نوشت‌ها

(۱ - اسراء/ ۳۶. ۲) المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۱۲۶ - ۱۲۷. ۳) قصص/ ۲۳. ۴) قصص/ ۲۵. ۵) المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۳۸. ۶) مرتضی مطهری، مسأله حجاب، ص ۶۹. ۷) همان، ص ۷۲. ۸) خاتم دکتر سعادی، چهره عریان زن، ص ۱۶۸؛ ر.ک: مقدمه‌ای بر روانشناسی زن، ص ۱۱۰. ۹) ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۴۶. ۱۰) مرتضی مطهری، مسأله حجاب، ص ۷۸. ۱۱) مرتضی مطهری، مسأله حجاب، ص ۷۵. ۱۲) ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۴۱. ۱۳) حجرات/ ۱۲. ۱۴) حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۹. ۱۵) آل عمران/ ۱۴. ۱۶) وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸. ۱۷) منتخب میزان الحکمه، ترجمه شیخی، ج ۲، ص ۹۹۹، حدیث ۶۱۲۹. ۱۸) نور/ ۳۰. ۱۹) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۱. ۲۰) همان، ص ۲۷۴. ۲۱) الترغیب و الترہیب، ج ۳، ص ۳۵، حدیث ۲۲. ۲۲) مسند احمد، ج ۴، ص ۳۵۸. ۲۳) بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۶. ۲۴) یوسف/ ۳۱. ۲۵) نور/ ۳۱. ۲۶) مسند احمد، ج ۶، ص ۲۹۶. ۲۷) بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۴. ۲۸) بابا طاهر عریان. ۲۹) ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۲۸. ۳۰) محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی (جوان)، ص ۳۰۷. ۳۱) احزاب/ ۳۳. ۳۲) نور/ ۳۱. ۳۳) المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۵، ص ۱۵۶. ۳۴) نور/ ۳۱. ۳۵) کافی، ج ۵، ص ۵۲۱، حدیث ۳۶. ۳۶) المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۴۶۱. ۳۷) شیخ حر عاملی، آداب معاشرت، ص ۶۷. ۴۰) مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۴۸. ۴۱) ویل دورانت، لذات فلسفه، ص ۱۴۱. ۴۲) ابوالقاسم مقیمی حاجی، جوانان و روابط، ص ۷، به نقل از لذات فلسفه ۱۲۲. ۴۳) روم/ ۲۱. ۴۴) روم/ ۲۱. ۴۵) میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۷۲، حدیث ۷۸۰۷. ۴۶) میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۹۷، حدیث ۱۰۲۲۱. ۴۷) روانشناسی رشد (۲)، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۷۸۲. ۴۸) اسراء/ ۸۴. ۴۹) المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۶۲. ۵۰) تحریم/ ۶. ۵۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۴۴. ۵۲) کافی، ج ۵، ص ۶۲. ۵۳) انشراح/ ۷. ۵۴) شرح غرر و درر، آمدی، ج ۱، ص ۳۹۴. ۵۵) میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۸۵، حدیث ۱۷۸۳۱.